

آسیب شناسی بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان

پوهندوی همایون رهیاب

دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بغلان، بغلان، افغانستان

ایمیل: hamayonrahyab84@gmail.com

چکیده

منظور از انجام این تحقیق، آسیب شناسی بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان است. روش تحقیق کیفی از نوع تاریخی می باشد و محقق تلاش نموده با بهره گیری از منابع، مستندات و مصوبات در دسترس و مصاحبه های عمیق و نیمه ساختاریافته با خبرگان کلیدی تحصیلات عالی و نصاب تحصیلی، بازنگری برنامه های درسی آموزش عالی را در دوره های مختلف آسیب شناسی نماید. نتایج نشان می دهد که نصاب تحصیلی از سال ۱۳۱۱-۱۴۰۰ جهت گیری های متفاوتی داشته است. تجربه ای که قبل و بعد از جنگ های داخلی حاصل می شود؛ گذار از نظام نصاب تحصیلی نسبتاً مستقل و ملی در دوره اول به نظام ایدئولوژیک و متمرکز در دوره دوم و بعد از یک دوره رکود ده ساله، نصاب تحصیلی تحول میابد که در نتیجه ۱۶۵ رشته تحصیلی شناسایی می شود که بازنگری گردد؛ نصاب تحصیلی ۷۱ رشته تا اوایل ۱۴۰۰ بازنگری می شود.

اصطلاحات کلیدی: آسیب شناسی؛ بازنگری؛ تحصیلات عالی؛ جهت گیری ها؛ نصاب تحصیلی

Pathology of Afghanistan's Higher Education Curriculum Revision

Assistant prof. Hamayon Rahyab

Department of History, Faculty of Education, Baghlan University, Baghlan, Afghanistan

Email: hamayonrahyab84@gmail.com

Abstract

This research examines the evolution of Afghanistan's higher education curriculum revision. Employing a qualitative research method with a historical perspective, the study draws upon available sources, documents, and in-depth semi-structured interviews with key experts in higher education and academic staff. The results underscore a dynamic transformation in the academic curriculum from 1311 to 1400. This progression encompasses experiences before and after the civil wars, transitioning from a relatively independent and national curriculum system in the initial phase to an ideological and centralized system in the subsequent period. Following a decade of stagnation, significant curriculum revisions were implemented. Consequently, 165 academic fields were identified for revision, with 71 fields having undergone revision by the onset of 1400.

Keywords: Curriculum; Higher Education; Orientations Pathology; Review

مقدمه

بازنگری یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های نصاب‌های تحصیلی می‌باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) و پدیده نسبتاً جدید در تحصیلات عالی است (بیکر، ۱۹۹۶). رهبری وزارت تحصیلات عالی با درک اهمیت این موضوع مصمم شد که پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی نصاب تحصیلی خویش را مطابق نیازمندی و اقتضای روز بازنگری نمایند (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). بازنگری نصاب‌های تحصیلی در سال ۱۳۹۶، با طرح فراخوان کادرهای ملی و متخصصین موضوعی آغاز گردید (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰). در این برنامه، علاوه بر سایر نصاب‌های تحصیلی رایج در تحصیلات عالی افغانستان، منابع معتبر رشته‌های مشابه در دیگر کشورها نیز مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸).

حال مسئله اصلی، آسیب‌شناسی روند تاریخی بازنگری نصاب‌های تحصیلی است. نصاب تحصیلی نظام آموزش عالی، در دوره‌های مختلف به‌طور غیر تخصصی مورد بازنگری قرار گرفته و به ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی-مذهبی کم‌تر پرداخته شده است. این یکی از دلایلی است که تحصیلات عالی افغانستان حداقل در سه دهه اخیر با مشکلات بسیاری مواجه بود و نصاب‌های تحصیلی پوهنتون‌ها جهت تربیت دانش‌آموختگان ماهر که بتوانند متناسب با نیازهای جامعه جذب بازار کار گردند؛ پاسخ‌گو نبوده است.

از این رو، هدف انتخاب موضوع تحقیق آسیب‌شناسی تاریخی بازنگری نصاب‌های تحصیلی است که قبل از تحقیق حاضر، هیچ نوع تحقیق علمی مرتبط به آسیب‌شناسی بازنگری نصاب‌های تحصیلی در هیچ دوره تاریخی در افغانستان انجام نشده است. از دیدگاه محقق در دوره که از ۱۶۵ برنامه علمی ۷۱ برنامه بازنگری شده است؛ ضروری پنداشته می‌شود که این روند مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد. استفاده از نتیجه این تحقیق در طراحی و بازنگری نصاب‌های تحصیلی آینده برای سیاست‌گذاران تحصیلات عالی، نصاب‌سازان و برنامه‌ریزان درسی از اهمیت ویژه‌ی برخوردار خواهد بود.

سوالات تحقیق

۱. آیا در پروسه (فرایند) بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان در دوره‌های مختلف، به بافت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی تأکید شده است؟
۲. در بازنگری نصاب تحصیلی در دوره‌های تاریخی از متخصصین این حوزه استفاده شده است؟
۳. در دوره تحول، نصاب تحصیلی مطابق معیارهای روز بازنگری گردیده که پاسخ‌گوی نیاز جامعه ملی و بین‌المللی باشد؟

پیشینه تحقیق

نصاب تحصیلی از جمله عناصر اساسی در نظام تحصیلات عالی به‌شمار می‌رود که می‌تواند در بهبود و پیشرفت نظام تحصیلی و تحول در اجتماع مفید و مثمر باشد. از این‌رو علی‌رغم سابقه نه‌چندان طولانی نصاب تحصیلی در آموزش عالی، حیات و تداوم پوهنتون‌ها با مؤلفه طراحی نصاب تحصیلی گره خورده است (هیکس، ۲۰۰۷).

در نظام تحصیلات عالی افغانستان کم‌تر به این اصل پرداخته شده است و حجم فعالیت‌های علمی از انواع مختلف در مقایسه با آنچه در حوزه آموزش و پرورش عمومی اتفاق افتاده است؛ شاهد روشنی بر این مدعاست. حتی نصاب تحصیلی یا برنامه درسی به‌عنوان یک رشته تحصیلی تا اکنون در پوهنتون‌های افغانستان ایجاد نشده است. این در شرایطی است که نظام تحصیلات عالی بدون اتکا به پشتوانه علمی لازم البته برحسب تکالیف و وظایف اصلی و اجتناب‌ناپذیر خویش به سیاست‌گذاری در حوزه نصاب تحصیلی در بخش‌های مختلف مشغول بوده است (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹). این وضعیت با یک نظر اجمالی به منابع علمی و تخصصی موجود در قلمرو نصاب تحصیلی و هم‌چنین مقالات علمی و تحقیقی چاپ شده در این رشته به روشنی قابل اثبات است. این درحالی است که در دیگر کشورها در محورهای آسیب‌شناسی، بازنگری و سیر تحول نصاب تحصیلی تحقیقاتی متنوعی انجام شده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). اما در افغانستان اسماعیلی و همکارانش (۲۰۱۰) تاریخ مؤسسات تحصیلی افغانستان را به سه دوره زیر تقسیم‌بندی نموده است: الف- مؤسسات سنتی، ب: مؤسسات اسلامی، ج: مؤسسات مدرن و یا رسمی. بعد از اسماعیلی، موسوی و روسمن (۲۰۲۰) به سیر تحول تاریخی آموزش عالی افغانستان پرداخته و آن را به سه دوره‌ی محافظه‌کارانه (۱۹۳۰-۱۹۹۰)، آشفته (۲۰۰۶-۱۹۹۲) و تحول (۲۰۰۶- به بعد) تقسیم‌بندی نموده است.

علی‌رغم این بی‌مهری‌ها، تدوین و بازنگری نصاب‌های تحصیلی در مطابقت با احکام اسناد تقنینی اکادمیک و معیارهای پذیرفته‌شده ملی و بین‌المللی خصوصاً در دو دهه‌ی اخیر صورت گرفته است (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹)، از این‌که نصاب‌های تحصیلی گذشته در پوهنتون‌های افغانستان جهت تربیت دانش‌آموختگان ماهر که بتوانند متناسب با نیازها و ضرورت‌های جامعه جذب بازار کار شوند؛ پاسخ‌گو نبود. وزارت تحصیلات عالی تصمیم گرفت تا پوهنتون‌ها به‌شکل مداوم و بهتر نصاب‌های تحصیلی خویش را تغییر و تحول دهند (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). اصلاح و بازنگری نصاب‌های تحصیلی با طرح فراخوان کادرهای ملی اعم از پوهنتون‌های دولتی و

خصوصی از سال ۱۳۹۶ در وزارت تحصیلات عالی آغاز گردید (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸) و به منظور تحقق اهداف زیر صورت می‌گرفت:

۱. آماده‌سازی نصاب‌های تحصیلی در مطابقت با نیازهای جامعه و بازار کار با در نظر داشت معیارهای ملی، منطقی و بین‌المللی.
۲. به‌روزرسانی نصاب تحصیلی با توجه به تحولات شگرف علوم و تکنالوژی به منظور تربیت کادرهای متخصص و پاسخ‌گو به نیازهای ملی، منطقی و بین‌المللی (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹).

روش تحقیق

تحقیق مورد نظر کیفی و از نوع تاریخی است. تحقیق تاریخی به بررسی موضوعات معین در مقطع زمانی مشخص می‌پردازد و محقق با ارزش‌یابی صحت و سقم مطالب به تفسیر و تحلیل اطلاعات به دست آمده اقدام می‌کند. در همین راستا تحقیق تاریخی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک شرایط کنونی بتوانند برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند (گال و همکاران، ۱۳۸۶). اگرچه هیچ نظریه یا رویکرد شخصی در خصوص مطالعات و تحقیقات تاریخی که مورد استفاده قرار گرفته باشد وجود ندارد؛ اما مجموعه‌ای کلی از مراحل که باید در آن طی شوند به شرح زیر می‌باشد (جانسون، ۲۰۱۲).

۱. شناسایی عنوان، تدوین سؤالات و مسایل تحقیق؛

۲. جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات تحقیق؛

۳. ترکیب داده‌ها؛

۴. آماده‌سازی گزارش

از این رو، محقق تلاش نموده با بهره‌گیری از منابع، مستندات و مصوبه‌های موجود و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با خبرگان کلیدی حوزه تحصیلات عالی و نصاب تحصیلی، بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی را در این دوره آسیب‌شناسی نماید. منابع اطلاعات برای آسیب‌شناسی بازنگری نصاب‌های تحصیلی آموزش عالی افغانستان عبارت از: ۱. بررسی اسناد و مصوباتی مرتبط به دوره‌های بازنگری برنامه‌های درسی؛ ۲. نظرات مطلعین کلیدی حوزه نصاب تحصیلی و حوزه تحصیلات عالی بودند. مطلعین کلیدی با مشوره‌ی تیم تحقیقی و با استفاده از "رویکرد هدف‌مند" انتخاب شدند. از الگوی مصاحبه‌های کیفی و با رعایت موازین آن و استفاده از "معیار اشباع نظری" با ۱۴ نفر به عنوان نمونه در مدت زمانی بین ۳۵-۵۰ دقیقه مصاحبه شد. سپس داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای کیفی

تجزیه و تحلیل گردید. برای بررسی اعتبار داده‌های به‌دست آمده از معیارهای اعتبارسنجی کیفی قابل قبول بودن و قابل اعتماد بودن استفاده گردید.

یافته‌ها

در این تحقیق پس از تحلیل محتوای اسناد، مصوبات و نظرات خبرگان کلیدی حوزه برنامه درسی و تحصیلات عالی دوره‌های زیر به‌عنوان دوره‌های تاریخی در حوزه نصاب تحصیلی افغانستان شناسایی شدند.

۱. دوره اول: (۱۳۱۱-۱۳۵۷)؛

۲. دوره دوم: (۱۳۵۷-۱۳۷۱)؛

۳. دوره سوم: (۱۳۷۱-۱۳۸۰)؛

۴. دوره چهارم: (۱۳۸۱-۱۴۰۰)؛

۱. دوره اول: (۱۳۱۱-۱۳۵۷)

این دوره که ۶۰ سال به درازا انجامید. اساس تحصیلات عالی در سال ۱۳۱۱ با تأسیس پوهنخی طب گذاشته شد. درحالی‌که پوهنتون کابل بعد از تأسیس چهار پوهنخی رسماً در سال ۱۳۲۵ تأسیس گردید (دولت آبادی، ۱۳۸۲). اگرچه تحصیلات عالی محدود و توسعه آن تدریجی بود (صمدی، ۲۰۰۱). فقط اشراف‌زاده‌ها دست‌رسی داشتند؛ اما با حضور استادان و محصلان خارجی، تحصیلات عالی اعتبار بین‌المللی داشت (نخبة شماره، ۱).

تمرکز نصاب‌های تحصیلی در این دوره روی کیفیت تحصیلات عالی بود و اساس آن با همکاری کشورهای خارجی گذاشته شده بود. به‌همین دلیل نصاب تحصیلی متأثر از کشورهای خارجی بود (نخبة، شماره ۹ و ۹). یک گروه از محصلانی که به‌خاطر تحصیلات تکمیلی به خارج از کشور رفته بودند، با سند لیسانس و ماستری برگشتند و نصاب‌های تحصیلی را مطابق اندوخته علمی و دانش که در خارج فراگرفته بودند تهیه می‌نمودند (نخبة شماره، ۲). آزادی اکادمیک در طراحی و تدوین نصاب تحصیلی در این دوره وجود داشت (نخبة شماره، ۲، ۶، ۸).

۲. دوره دوم: (۱۳۵۷-۱۳۷۱)

در این دوره تحصیلات عالی پس از اشغال اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۳۵۸ از لحاظ کمی رشد چشم‌گیری داشت؛ اما کیفیت آن بسیار آسیب‌دیده بود (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ هیوارد، ۲۰۱۵). چون رابطه تحصیلات عالی در انحصار کشورهای اقمار شوروی سابق بود و با دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای

اروپایی قطع گردید (نخبة شماره، ۱). متأسفانه، این وضعیت زمینه را برای کیفیت پائین فراهم کرد که تا امروز بهبود نیافته است (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ هیوارد، ۲۰۱۵).

در این دوره نصاب‌های تحصیلی متأثر از ایدیولوژی کمونیسم بود (نخبة شماره ۲، ۸، ۹). تشکیل یک کمیته با صلاحیت برای تجدیدنظر نصاب‌های تحصیلی در مقطع ماستری و تدریس سه مضمون که در رژیم قبلی تدریس شده نمی‌توانست، به‌عنوان درس‌های تعویضی (فلسفه، اقتصاد سیاسی و تاریخ معاصر افغانستان) در اکثر صنف‌ها و تقرر استادان حزبی در پوهنځی‌های مختلف از جمله تغییرات بود که در نصاب تحصیلی وارد شد. اجباری شدن آموزش زبان روسی و کورس‌های از قبیل "جنبش انقلابی طبقه کارگر" شامل نصاب تحصیلی گردید. متون درسی تحت رهنمایی مشاوران روسی تهیه و بازنگری می‌گردید (اندیشمند، ۱۳۸۹). در مؤسسات تحصیلات عالی استادان روسی به کمک ترجمانان تاجیکی و افغانستانی درس‌های زیر را تدریس می‌نمودند:

سوسیالیسم علمی، ماتریالیسم تاریخی، ماتریالیسم دیالکتیکی، تاریخ نهضت‌های انقلابی و تاریخ معاصر افغانستان (نیازی، ۱۳۶۸).

۳. دوره سوم: (۱۳۷۱-۱۳۸۰)

دوره سوم که ۱۰ سال را در بر می‌گیرد؛ دوره رکود برای تحصیلات عالی بود (نخبة شماره ۱، ۲، ۵، ۸ و ۹). زیرا این کشور دو دوره مختلف سیاسی را تجربه کرد (کوچ، ۲۰۱۸). این دوره پر از لحظاتی ترس، عدم اطمینان، توقف و رکود بود. به‌دلیل جنگ‌های داخلی در این دوره، تحصیلات عالی یک دوره آشفتگی داشت (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ بانک جهانی، ۲۰۱۳). مشکلات زیادی دامن‌گیر تحصیلات عالی گردید و سیر رشد آن متوقف شد (نخبة شماره ۹). توجه نظام سیاسی به تحصیلات عالی کاهش پیدا کرد؛ تعداد محصلان در پوهنتون‌ها کاهش یافت؛ شماری استادان کشور را ترک کردند (نخبة شماره ۱، ۲ و ۹).

در این دوره نصاب تحصیلی نظام‌مند نبود (نخبة شماره ۸). روی اسلامی‌سازی نصاب تحصیلی معارف نسبت به تحصیلات عالی بیش‌تر تأکید می‌شد. در بعضی پوهنتون‌ها مضمون‌های دینی در نصاب تحصیلی اضافه گردید و در رشته‌های علوم طبیعی و ساینس هیچ تغییراتی نیامد (نخبة شماره ۱). مرکز تحقیقات وجود نداشت و از تحقیق در پوهنتون‌ها خبری نبود (نخبة شماره ۵). بی‌نظمی در تطبیق نصاب تحصیلی (نخبة شماره ۱، ۲، ۵، ۸ و ۹)، کم‌بود منابع و نبود متخصصین برنامه‌ریز از ویژگی‌های این دوره بود (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴).

۴. دوره چهارم: (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

دوره چهارم را می‌توان به‌عنوان دوره تحول تحصیلات عالی تعریف کرد (نخبه شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۸ و ۹). با تأسیس ۱۵۰ مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی، رشد انفجاری را تجربه کرده است (هیوارد و امیریار، ۲۰۰۴). تحصیلات عالی گسترش نمود و نزدیک به هفت برابر محصل از ۵۸۷۶۹ به ۳۶۵۹۸۲ افزایش یافت (ابراهیمی، ۲۰۱۴).

در این دوره بازنگری نصاب‌های تحصیلی به‌منظور تحقق اهداف ذیل صورت می‌گرفت:

۱. آماده‌سازی نصاب تحصیلی در مطابقت با نیازهای جامعه و بازار کار با درنظرداشت معیارهای ملی، منطقی و بین‌المللی.

۲. به روز رسانی نصاب‌های تحصیلی با توجه به تحولات شگرف علوم و تکنالوژی به‌منظور تربیت کادرهای متخصص و پاسخ‌گو به نیازهای ملی، منطقی و بین‌المللی (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

بنابراین نصاب تحصیلی از چند بعد توسعه پیدا کرد. یکی ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید بود. دیگر نصاب‌سازی با معیارهای عصری انجام می‌شد (نخبه شماره ۲). نصاب تحصیلی بعضی رشته‌ها به‌روز شد. پوهنتون‌های که همکاری با پوهنتون‌های خارجی داشتند، از نصاب تحصیلی آن‌ها استفاده می‌نمودند (نخبه شماره ۱). کلاستر (اجماع) نصاب تحصیلی ایجاد گردید و برای هر مضمون از تمامی پوهنتون‌ها متخصصین هر رشته دعوت می‌شدند و مشترکاً نصاب تحصیلی جدید را نیازسنجی و طراحی می‌نمودند. اگرچه نمی‌توان نصاب تحصیلی این دوره را صد در صد به‌روز گفت ولی تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در نصاب‌های تحصیلی به‌وجود آمد (نخبه شماره ۶).

کمیسیون ملی نصاب تحصیلی ایجاد گردید. کمیسیون کارش را از مرحله نیازسنجی آغاز نمود و باید به دو پرسش ذیل پاسخ می‌داد:

۱. آیا در جامعه و بازار کار به دانش آموخته‌های این رشته تقاضای با دوام و مؤثر وجود دارد؟
۲. آیا امکانات و شرایط واقعی تحصیلی برای رشته مورد نظر موجود است یا فراهم شده می‌تواند تا محصلان مطابق اهداف مطروحه مؤسسه تربیت شوند؟

نیازسنجی رشته با شیوه‌های مختلف (توزیع پرسش‌نامه، مصاحبه و یا تدویر جلسات با اعضای کادر علمی، دانش‌آموختگان، محصلان سال اخیر و نمایندگان ادارات ذی‌ربط دولتی و خصوصی و...) صورت می‌گرفت (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

بازنگری نصاب تحصیلی، فرایند طولانی دارد و با تدویر کلسترها در چهار مرحله به شرح ذیل اجرایی می‌گردید:

مرحله اول: متخصصین رشته‌های مربوطه با حضور نماینده‌های ادارات ذی‌ربط بعد از بررسی سایر نصاب‌های تحصیلی موجود و مطالعه رشته‌های موجود در کشورهای جهان، نصاب تحصیلی را ترتیب می‌نمودند. نتایج کار جهت تدوین سرفصل‌های درسی و ابراز نظر به پوهنتون‌های دولتی و خصوصی و جمع‌آوری نظریات به سایر ادارات ذی‌دخل ارسال می‌گردد.

مرحله دوم: نظریات واصله از پوهنتون‌ها و ادارات ذی‌ربط در کلسترهای مربوطه بعد از بررسی توحید می‌گردید.

مرحله سوم: در مرحله سوم تعداد محدود اشتراک‌کنندگان، اعضای کمیسیون ملی نصاب تحصیلی، طراحان و همکاران فنی دعوت می‌گردید تا نصاب‌های تحصیلی که قبلاً توسط کلسترها تهیه گردیده را جمع‌بندی، تدوین و صحافت نمایند.

مرحله چهارم: نصاب‌های تحصیلی نهایی شده بعد از اخذ منظوری، توسط مطبوعه وزارت یا سایر انتشارات به چاپ می‌رسید و در اختیار پوهنتون‌ها و مؤسسات آموزش عالی قرار داده می‌شد (گزارش ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۹/۱۰/۷).

آسیب‌های بازنگری نصاب تحصیلی

همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، نصاب‌های تحصیلی نسبت به هر زمانی در دوره دوم و چهارم در معرض بازنگری قرار گرفته است.

آسیب‌های بازنگری نصاب تحصیلی دوره دوم

در این دوره یک کمیته برای بازنگری نصاب تحصیلی تشکیل شده بود و تغییرات زیر ایجاد گردید:

تدریس مضامین تعویضی (فلسفه، اقتصاد سیاسی و تاریخ معاصر افغانستان) در اکثر صنف‌ها، استخدام استادان حزبی بدون معیارهای علمی، اجباری شدن آموزش زبان روسی به جای زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی و تدویر کورس "جنبش انقلابی طبقه کارگر، تعویض استادان داخلی و خارجی از مؤسسات آموزش عالی و استخدام استادان روسی، نفوذ مضامین سوسیالیسم در نصاب تحصیلی متون درسی تحت رهنمایی مشاوران روسی تهیه و بازنگری می‌گردید. به‌طور مثال: در پوهنخ‌ی طب دوره تحصیل از ۷ به ۵ سال تقلیل یافت و امتحان تقریری معمول گردید که در نتیجه آسیب‌های زیر را در قبال داشت:

قطع ارتباط آموزش عالی با جهان اسلام و غرب، تغییر برنامه‌های درسی در هم‌سویی با ایدئولوژی سوسیالیسم، روابط آموزش عالی منحصر به روسیه و اقمار آن بود. تشکیلات پوهنتون کابل به سبک روسی تغییر نمود؛ آزادی اکادمیک از میان برداشته شد؛ از پوهنتون به‌حیث یک اداره حزبی استفاده صورت می‌گرفت؛ بهترین آثار گران‌بها از پوهنتون مفقود گردید؛ اکثر مراکز علمی چون پوهنځی انجنیری تخریب شد که در نتیجه تعدادی استادان کشور را ترک کردند؛ اما پس از خروج نیروهای شوروی تغییراتی در برنامه‌های درسی به‌وجود آمد. اهداف و مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک از قوانین تحصیلات عالی حذف شد و بر مبنای مصوبه شورای وزیران نصاب‌های تحصیلی کوتاه‌مدت به‌خاطر شمولیت مجدد محصلان که از آموزش باز مانده بودند، طراحی گردید.

آسیب‌های بازنگری نصاب تحصیلی دوره چهارم

موجودیت نصاب‌های تحصیلی متعدد در سطح دیپارتمنت‌ها، عدم نقشه‌های مفهومی برای مضمون‌ها، تناقض نام بعضی از مضمون‌ها با محتوای آن‌ها، عدم هم‌خوانی تعدادی از مضمون‌ها با رشته‌ها، کم بودن تعداد واحد درسی بعضی از مضمون‌ها، غیبت تعدادی مضمون‌های مهم و کاربردی در نصاب تحصیلی رشته‌ها، عدم تعریف دقیق از نوعیت مضمون و اهداف آن، تعریف نه‌شدن منابع ملی و بین‌المللی برای درس‌ها، عدم تعریف دقیق از لایحه سیستم کزیدت، عدم توضیح وظایف استاد و محصل و غیبت اهداف آموزشی رشته، از جمله آسیب‌های برنامه ملی بازنگری محسوب می‌شد (ریاست انکشاف برنامه های علمی، ۱۳۹۸).

تکثیر نصاب‌های تحصیلی در سطح تحصیلات عالی ناشی از فشارهای سیاسی برای گسترش سریع سیستم بود که ضعف حاکمیت برای هدایت مؤسسات تحصیلات عالی برای ایجاد برنامه‌های جدید متناسب با نیازمندی کشور را به دنبال داشت (ابراهیمی، ۲۰۱۴). بازنگری نصاب تحصیلی در علوم انسانی و سرمایه‌گذاری محدود در علوم طبیعی زاویه دیگری از آسیب‌های بود که باعث ایجاد شکاف دانش و مهارت در آینده خواهد شد (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶).

علاوه براین؛ بازنگری نصاب تحصیلی با شعار "ملت واحد- نصاب تحصیلی واحد" (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸) در نوع خود یک رویکرد متمرکز بود. درحالی‌که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نا کارآمدی نصاب تحصیلی متمرکز مشخص گردید (سابار، ۱۹۹۷). می‌بایست نصاب تحصیلی به‌شکل غیر متمرکز بازنگری می‌شد. از این‌رو، آسیب اصلی را می‌توان در صلاحیت اعضای کادر علمی برای بازنگری نصاب تحصیلی جستجو کرد (هیوارد، ۲۰۱۵).

در ضمن خلای تخصصی در برنامه بازنگری نصاب تحصیلی برخی از شاخص‌های اصلی (دست‌رسی، کیفیت، ارتباط، برابری، یک‌پارچگی، شفافیت و خودمختاری نهادی) که در برنامه ملی بازنگری برجسته شده بودند؛ نیاز به همکاری شرکای راهبردی داشت که جای آن‌ها خالی بود و همکاری که انتظار می‌رفت نظر به شرایط سیاسی و امنیتی صورت نمی‌گرفت (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶).

مناقشه

بازنگری نصاب‌های تحصیلی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه نظام مطالعات برنامه‌ریزی درسی در تحصیلات عالی می‌باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) که مورد نظریه‌پردازی قرار نگرفته است (بیکر، ۱۹۹۶). کم‌توجهی به سوابق و آن‌چه که در گذشته انجام شده، ممکن است منجر به تکرار اشتباهات در این حوزه باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). به‌باور دیبا، اجاری و همکاران (۱۳۹۰) یکی از محدودیت‌های بازنگری نصاب تحصیلی به محجوریت بحث تاریخی باز می‌گردد و حوزه نصاب تحصیلی از حاکمیت "روح غیرتاریخی" رنج می‌برد. نوروز زاده و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۷)، بدین باور هستند که متخصصین این حوزه از میراث فکری و تحقیقی این رشته در بازنگری استفاده مؤثر نمایند. بی‌توجهی نسبت به این قلمرو، هویت نصاب تحصیلی را با بحران مواجه خواهد کرد.

بحث دیگر، رویکردهای تمرکزگرایانه یا تمرکززدایی در قلمرو تخصصی نصاب تحصیلی است که به نیمه دوم قرن بیستم بر می‌گردد. در این زمان نصاب‌های تحصیلی عموماً توسط صاحب‌نظران با تیم‌های کارشناسی حرفه‌ای تولید می‌شد که عمدتاً منطبق بر موقعیت‌های واقعی صنف‌های درسی نبود و آموزش دهندگان تنها به‌عنوان اجراکننده نصاب تحصیلی شده بودند (سابار، ۱۹۹۴). در فاصله دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، ناکارآمدی نصاب تحصیلی متمرکز مشخص گردید و در نتیجه فرصت‌های ممکن برای برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و با محوریت مراکز آموزشی در پروسه (فرایند) بازنگری نصاب تحصیلی، مشارکت افراد و گروه‌های گوناگون در تصمیم‌گیری نصاب تحصیلی صورت گرفت (سابار، ۱۹۹۷). درحالی‌که تمرکزگرایی در تدوین عناوین و سرفصل‌های مضامین رشته‌های آموزش عالی ادامه یافت که همواره مورد انتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران قرار داشت.

از این‌رو همان‌طوری‌که استارک (۱۹۹۷) اظهار می‌کند: تغییر و اصلاح در نصاب تحصیلی در کشورها و پوهنتون‌های پیشرفته جهان مطابق تحولات صورت می‌گیرد. چنین تغییری در خدمت اصلاح نصاب تحصیلی آموزش عالی باشد و موجب اثربخشی آن شود. با این حال یکی از مفاهیمی که در تغییر نصاب تحصیلی مطرح می‌شود، اصلاح یا بازنگری است. اصلاحات شامل تجدیدنظر در سازمان و مؤسسه، ساختار نظام آموزشی و بازنگری نصاب تحصیلی می‌شود (فولن، ۱۹۸۵). در بسیاری از کشورها بازنگری

و بهبود مضمون معمولاً برعهده مدرس است، اما مسئولیت طراحی مجدد برنامه‌های درسی برعهده کمیته‌های است که گروه آموزشی را به‌طور ویژه برای انجام این کار تشکیل می‌دهد. مشارکت اساتید می‌تواند منجر به پیدایش درس‌های جدید، نصاب‌های تحصیلی بازنگری شده و نوآوری‌ها در تدریس شود که به نوع خود جالب و اثر بخش خواهد بود (نصر، ۱۳۸۶). در واقع بازنگری و تغییر در نصاب‌های تحصیلی بدون هموار کردن علایق و ارزش‌های اساتید میسر نخواهد بود (دیویس و رودز، ۱۹۹۸). لادن سلیمی (۱۳۹۳) به نقل از مازولی (۲۰۰۰) می‌نویسد: "اعضای کادر علمی تأثیر زیادی بر برنامه‌ریزی و محتوای درسی در آموزش عالی دارد". لاوتن (۱۹۸۳) براین عقیده است که نصاب تحصیلی باید بر پایه فرهنگ هر کشوری شکل گیرد و در بازنگری نصاب تحصیلی آموزش عالی لازم است نظام اجتماعی، اقتصادی، ارتباطات، فن آوری، اخلاقی، اعتقادی و زیبایی‌شناختی در نظر گرفته شود. هم‌چنان در بررسی ماهیت تغییر نصاب تحصیلی بر رابطه بین روند اصلاحات نصاب تحصیلی و بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید می‌شود که پاسخ‌گو به نیازهای جامعه باشد (ادام، ۲۰۰۹)؛ اما در افغانستان نه تنها به تاریخ تحول و بازنگری نصاب تحصیلی پرداخته نشده است؛ بلکه بازنگری نصاب تحصیلی در هیچ زمانی مورد آسیب‌شناسی قرار نگرفته است. برنامه‌های درسی هنوز به‌شکل متمرکز تهیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

حاصل تحقیق می‌رساند که تحصیلات عالی افغانستان چهار دوره تاریخی را تجربه کرده است و نصاب‌های تحصیلی در این دوره‌ها جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته است. نکته مشترک جهت‌گیری‌های برنامه درسی که اغلب در تمام دوره‌ها مطرح بوده است. جهت‌گیری ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی حاکم است. اگرچه در دوره اول جهت‌گیری‌ها به‌سوی تربیت نیروی متخصص برای تأمین نیازهای جامعه و نظام بروکراتیک و دیوان‌سالار بود. اما در دوره دوم به‌ویژه در زمان اشغال شوروی، پرورش نیروی متعهد برای جامعه دموکراتیک و وفادار به نظام کمونیسم مدنظر بود. دوره سوم، جهت‌گیری‌های نصاب تحصیلی به‌سمت ایدئولوژی اسلامی در مناطق زیرحاکمیت حکومت مرکزی در دستور کار بود. در دوره چهارم جهت‌گیری‌ها به‌سوی تربیت نیروی متخصص و ایجاد رشته‌های تحصیلی مطابق نیاز ملی و بین‌المللی مطرح بود. اگرچه این بخش از نتایج تحقیق مبتنی بر مصاحبه با آگاهان کلیدی آموزش عالی و برنامه درسی است. اما در کمیسیون ملی بازنگری نصاب تحصیلی جای متخصصین نصاب تحصیلی خالی بوده و در بازنگری حضور معنادار نداشتند. علاوه بر آن، کارشناسان و مدیران اداره برنامه‌های علمی متخصص نصاب تحصیلی نبودند. در ضمن، رشته نصاب تحصیلی به‌عنوان یک نیاز در تحصیلات عالی تا هنوز ایجاد نگردیده است.

در پاسخ به سؤال اول، نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در هیچ دوره بازنگری نصاب‌های تحصیلی به بافت‌های اجتماعی توجه کافی صورت نگرفته است. در پاسخ به سؤال دوم باید گفت که تصمیم‌گیری‌ها در مورد اصلاح و بازنگری نصاب‌های تحصیلی اغلب حاصل تجربه و پیشنهاد صاحب‌نظران و استادان حاضر در جلسات بوده و اکثراً متخصص موضوعی بودند نه متخصص حوزه مطالعات برنامه درسی و نصاب تحصیلی. علاوه بر این، سطح تحصیلی بیش‌تری شان لیسانس و ماستر بوده است. در پاسخ به سؤال سوم باید اذعان داشت که نه تنها ایدئولوژی نظام‌های سیاسی حاکم بر نصاب تحصیلی نفوذ داشته، بلکه نصاب‌سازی براساس معیارهای علمی این حوزه و نیازمندی‌ها طراحی و تدوین نشده است که پاسخ‌گو به نیازمندی‌های جامعه ملی و بین‌المللی باشد. در ضمن پروسه (فرایند) نصاب‌سازی در این دوره‌ها با رویکرد متمرکز انجام می‌شد.

بنابراین در برنامه بازنگری نصاب تحصیلی، به آسیب‌های فوق‌الذکر که در نتیجه تحقیق شناسایی شده است، توجه صورت بگیرد و نصاب تحصیلی با معیارهای پذیرفته شده اصلاح شود که پاسخ‌گوی نیازمندی‌های جامعه ملی و بین‌المللی باشد.

پیشنهادهای

۱. استفاده از متخصصین حوزه نصاب تحصیلی در طراحی، تدوین، تغییر و اصلاح نصاب‌های تحصیلی؛
۲. حمایت مالی و معنوی از برنامه ملی بازنگری و توسعه نصاب‌های تحصیلی از طرف مقامات ذی‌صلاح؛
۳. غیرمتمرکز کردن نصاب‌سازی تحصیلی با محوریت مراکز و نهادهای تحصیلات عالی.

منابع

- اندیش مند، محمد اکرام. (۱۳۸۹). معارف عصری افغانستان "۱۲۸۲-۱۳۸۹ هـ ش ۱۹۰۳-۲۰۱۰"، کابل: انتشارات میوند.
- دولت آبادی، بصیراحمد. (۱۳۸۲). شناس نامه افغانستان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دیبا و اجاری، طلعت، یمنی دوطس سرخابی، محمد، عارفی، محبوبه و فرداش، هاشم. (۱۳۹۰). مفهوم پردازی الگوهای برنامه ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات ودست آوردها)، فصل نامه تحقیق در برنامه ریزی درسی، ۸(۲).
- ریاست انکشاف برنامه های علمی. (۱۳۹۸). نصاب تحصیلی رشته تاریخ، برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی پوهنتون های کشور، کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- ریاست انکشاف برنامه های علمی. (۱۳۹۹/۱۰/۱۷). گزارش سال ۱۳۹۹ برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب های تحصیلی، کابل: ریاست انکشاف برنامه های علمی، وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- سال نامه افغانستان. (۱۳۵۸). کابل: انتشارات مطبعه دولتی، شماره ۴۴ و ۵۷، ص ۱۰۹۳.
- سلیمی، لادن و همکاران. (۱۳۹۳). تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، دو فصل نامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۵، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۵۲-۷۳.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۲). راهنمای عملی بازنگری برنامه های درسی در پوهنتون ها و موسسات آموزش عالی، تهران: انتشارات مهربان.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۵). برنامه درسی به سوی هویت های جدید، تهران: انتشارات آبیژ.
- فرهنگ، میرمحمد صدیق. (۱۳۸۳). افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران: انتشارات جاویدان.
- فولن، مایکل. (۱۹۸۵). تغییر برنامه درسی، ترجمه احمد رضا نصر. (۱۳۸۱). مندرج در کتاب برنامه درسی نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، پدید آورنده: محمود مهرمحمدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کامگار، جمیل الرحمن. (۱۳۸۷). تاریخ معارف افغانستان، کابل: انتشارات میوند.
- کمیسیون ملی نصاب تحصیلی. (۱۳۹۹). رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، کابل: وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- کمیسیون ملی نصاب تحصیلی. (تابستان ۱۴۰۰). رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- گال، مردیت؛ والتر بورگ، و جویس گال. (۱۳۸۶). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی، مترجمین: احمد رضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات پوهنتونی شهید بهشتی، چاپ دوم.
- گرازش فشرده از فعالیت های وزارت معارف، ۱۳۸۱ (عقرب/آباد ۱۳۸۳)، چاپ ریاست نشرات وزارت معارف، ص ۵ و ۶.
- مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۸۸). برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- نصر، احمد رضا، اعتماد زاده، هدایت و نیلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). برنامه درسی و طراحی در پوهنتون ها و مراکز آموزش عالی، اصفهان: انتشارات جهاد پوهنتونی.
- نگاهی به دست آوردهای وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۹. (۱۳۹۹). کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- نوروز زاده، رضا و فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر برنامه ریزی درسی پوهنتونی، تهران: ناشر مؤسسه تحقیق و برنامه ریزی آموزش عالی.
- نیازی، امیدوار. (۱۳۶۸). عوامل و نتایج کودتای هفت ثور، چاپ پشاور.
- وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان. (۱۳۹۵). پلان استراتژیک ملی تحصیلات عالی ۱۳۹۵-۱۳۹۹.

- Adam, F. (2009) . Curriculum Reform in Higher Education: Humanities Case Study. PhD. Thesis, University of the Witwatersand , Johannesburg, South Africa.
- Babury, Mohammad .Osman. & Hayward. M, Fred. (2014). Afghanistan Higher Education The Struggle for Quality, Merit, and Transformation. Planning for Higher Education Journal | V42N2 January–March 2014.
- Bernadette Baker (1996) The History of Curriculum or Curriculum History? What is the Field and Who Gets to Play on it?, Curriculum Studies, 4:1, 105-117, DOI: 10.1080/0965975960040106
- Daniel, Couch. (2018): The policy reassembly of Afghanistan's higher education system.
- Davis, D.C., Rhodes, R., & Baker, A.S.(1998). Curriculum revision: Reaching faculty consensus through the nominal group technique. Journal of Nursing Education, 37(7),326-328.
- Esmaeily. Asad, Pahwa. Anil, Thompson. J. & Watt, Donald.(2010). Challenges and Opportunities for Strengthening Higher Education in Afghanistan. American Society for Engineering Education, 2010.
- Mountainscape. © (2013) International Bank for Reconstruction and Development /Publisher: The World Bank 1818 H Street NW.Washington DC 20433. Telephone: 202-473-1000. Internet: www.worldbank.org
- Hayward. M, Fred.(2015). Transforming Higher Education in Afghanistan: Success Amidst Ongoing Struggles. Society for College and University Planning. www.scup.org © 2015 by the Society for College and University Planning All rights reserved. Published 2015.ISBN 978-1-937724-51-1
- Hicks, O. (2007). Curriculum In Higher Education In Australia Hello? In Enhancing Higher Education Theory And Scholar Ship, Proceeding of The Goth Herdsa Annual Confrance.
- Ibrahimi.N. (2014). Bureaucratic Policies and Patronage Politics Prospects and Challenges of Private Higher Education in Afghanistan:Afghanistan Analysts Network. Afghanistan Watch.
- Johnson, B., Christensen, L. (2012). Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches.USA: SAGE Publication, 625 p.
- Lawton, D. (1993). Curriculum Studies and Educational Planning. London: Hodder and Stought, P.30.
- Mussawy, Sayed Ahmad Javid and Rossman, Gretchen B (2020) "Faculty Members' Perceptions of Quality Assurance and Accreditation in Afghanistan," Higher Learning Research Communications: Vol. 8 , Article4.DOI: 10.18870/hlrc.v7i2.402. Available at: <https://scholarworks.waldenu.edu/hlrc/vol8/iss2/4>.
- Sabar,N.(1994).Curriculum Development at School Level. International Encyclopedia of Education.
- Stark , J. (1997). Program and Level Curriculum Development. Research in Higher Education, Vol,38,NO,1.